زعیم بصیر/ بصیرت و هوشیاری در سیره سیاسی حضرت امام خمینی «ره»

پدید آورنده : ابوالفضل هادی منش ، صفحه 18

اشاره:

در ادبیات آیینی ما «بصیرت» با تعابیری چون: بینش، فهم عمیق، درک قلبی و یا آگاهی مفهوم سازی می شود. این ویژگی به واسطه معرفت عمیق و تفکر و تدقیق حاصل می شود؛ آن گونه که امام خمینی «ره» در این باره می نویسد:

و آن اعم است از تفکری که از مقامات سالکین است؛ زیرا که آن را خواجه انصاری چنین تعریف فرموده: إعلم أنّ التفکّر تلمّس البصیرة لاستدرک البغیة؛ یعنی «بدان که تفکر عبارت است از جستجو نمودن بصیرت قلب و چشم ملکوت مطلوب خود را برای ادراک آن». و معلوم است مطلوبات قلوب معارف است و از این جهت در این حدیث شریف نیز مقصود از «تفکر» معنی خاص راجع به قلوب و حیات آن هاست.

از این تحلیل و تعلیل حضرت امام «ره» مشخص می شود که بصیرت امری مربوط به دل است؛ اگر چه در لغت از ریشه «دیدن» می باشد، اما دیدنی که فعل قلب آدمی است نه چشم او، بر این مبنا، ایشان می افزاید:

و «قلب» را اطلاقات بسیار و اصطلاحات بی شماری است. پیش اطباء و عامه مردم اطلاق شود بر پارچه گوشت صنوبری که با قبض و بسط آن خون در شریان ها جریان پیدا کند، و در آن تولید روح حیوانی، که بخار لطیفی است، گردد و پیش حکما به بعضی مقامات نفس اطلاق شود. و اصحاب عرفان برای آن مقامات و مراتبی قائلند که غور در بیان اصطلاحات آن ها خارج از وظیفه است. و در قرآن کریم و احادیث شریفه، در مقامات مختلفه، به هر یک از معانی متداوله بین عامه و خاصه اطلاق شده است؛ چنانچه «إِذ الْقُلُوبُ لَدَی الْحَنَاجِرِ»؛ به معنای متعارف پیش اطباء و «لَهُم قُلُوبٌ لا یَفْقَهُونَ»؛ به معنی متداول در السنه حکماء و«إنَّ فِی ذلکَ لَذِکْری لِمَنْ کانَ لَهُ قَلْبٌ أوْ ألْقَی السَّمْعَ وَ هُوَ شَهِیدٌ»، بر طبق اصطلاح عرفا جریان یافته.

بصیرت در قرآن

«قَد جاءَکُمْ بَصائِرُ مِنْ رَبِّکُمْ فَمَنْ أبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِیَ فَعَلَیْهَا»؛ «به راستی رهنمودهایی از جانب پروردگارتان برای شما آمده است. پس هر کس با دیده بصیرت بنگرد، به سود خود او و هر کس به دیده بصیرت ننگرد، به ضرر خود اوست.»

«أفَلَمْ یَسِیروا فِی الارْضِ فَتَکُونَ لَهُم قُلُوبٌ یَعْقِلُونَ بِها أو آذَانٌ یَسْمَعُونَ بِهَا فَإنَّها لا تَعْمَی الأبْصَارُ وَ لکِنْ تَعْمَی القُلُوبُ الَّتی فِی الصُّدُورِ»؛ «آیا در زمین گردش نکرده اند تا دل هایی داشته باشند که با آن بیندیشند یا گوش هایی که با آن بشنوند؟ در حقیقت، چشم ها کور نیست، لیکن دل هایی که در سینه هاست، کور است.»

بصیرت در روایات و احادیث

در روایات توجه زیادی به موضوع فهم دقیق و عمیق مسائل شده است.

قال الصادق (ع):

«العامل علی غیر بصیرةٍ کالسّائر علی غیر الطریق لا یزیده سرعة السیر من الطریق إلاّ بعدا»؛ «کسی که بدون بصیرت و آگاهی کاری انجام دهد، مانند رهگذری است که از بیراهه می رود و هر چه سریع تر برود، از راه بیشتر دور می گردد.»

در روایتی از پیامبر اکرم آمده است: «لیس الأعمی من یعمی بصره اِنّما الأعمی من تعمی بصیرته»؛ «نابینا کسی نیست که چشمانش کور است؛ به درستی که نابینا کسی است که بصیرت ندارد.»

بصیرت در سیره سیاسی حضرت امام خمینی «ره»

1. روشن بینی امام «ره»

روزی دو نفر از شاگردان و مشاهیر برای زیات امام «ره» به محل اقامتشان، شهرستان محلات، آمده بودند. در آن ایام گروه خاصی مطرح بودند که در رأس آن ها مصدق بود که توجه مردم را به خود جلب کرده بود و آن ها می پنداشتند که ضد امپریالیسم و ضد رژیم کسی است که وابسته به آنان باشد. آن روز امام «ره» سخنی در رد آن گروه بیان فرمودند. آن آقایان گفتند: از شما بعید نیست که بر علیه این جمعیتی که چنین و چنان هستند، صحبت کنید؟! اینان مردم وطن دوست و انقلابی هستند؛ ولی امام «ره» که این چهره های دروغین را از آن دوران می شناختند و انحراف آن ها برای امام «ره» نمایان بود، با وجود دفاع آن آقایان و بسیاری از مردم که ندانسته آن ها را مورد ستایش قرار می دادند، امام «ره» آن ها را رد می کرد و در هر صورت، گذشت زمان بصیرت و بینش امام «ره» را برای آن آقایان روشن ساخت.

2. امام «ره» هادی همیشگی

امام «ره» به دلیل هوشیاری هیچ گاه خود را در مسیر موج ها و نسیم های مقطعی و انحرافی قرار نداد و همیشه نقش ناظر یا هادی و کنترل کننده حوادث را به عهده داشت؛ ایجاد تشکیلات و گروه های سیاسی و تولد یافتن سازمان های به ظاهر انقلابی و نفوذ آنان در اقشار مختلف و قبضه نمودن فرهنگ جامعه در چهره ملی گرایی و یا به اسم مجاهدین خلق و طرفداران اسلام راستین که در صورت بروز یک موج انقلابی و تغییر رژیم و سیاست، مجددا بتوانند از کانال آن ها حکومت را قبضه نمایند و راه را برای استعمار جدیدی هموار سازند، از این رو، حتی از پیش، رؤسای جمهور و وزرا را نیز تعیین می کردند! مسلّما تشخیص این چهره های پلید و منافق صفت کار آسانی نبود؛ بلکه از بزرگ ترین مشکلات بود که نمونه بارز آن جریان منافقان در نجف بود که آن ها با ایجاد زمینه های کاملاً مساعد و حساب شده و بدون مطرح کردن شناخت خود از مبدأ و معاد و رسالت، در سطح عموم مردم، موفق شده بودند حمایت اکثریت قریب به اتفاق شخصیت ها و رجال علمی و سیاسی در متن مبارزه را به خود جلب کنند و آنان از این طریق می خواستند با جلب حمایت امام «ره» از آنان، سند اعتبار و پشتیبانی دریافت کنند؛ اما امام «ره» با تأمل و بصیرت با آنان برخورد کرد و چهره زشت آنان را از لابه لای ده ها پرده فریب و نیرنگ و از متن نوشته و آثار آنان کشف نمود و بعد از آن همه کوشش و تلاش و این طرف و آن طرف زدن منافقان، با یک جمله، کاخ آمال و آرزوهای کثیف آنان را در هم ریخت و آن این که: «شما به همین اندازه که من در طرد و نفی شما سخن نمی گویم، راضی باشید».

از مرحوم علامه شهید آیت الله مطهری «ره» نقل شده است که فرمود: «اگر امام «ره» آن روز در تأیید و حمایت آنان سخنی فرموده بودند، ما امروز هیچ چیز نداشتیم». به خوبی روشن است که بیشتر چهره ها از آنان حمایت می کردند و تنها امام «ره» باقی مانده بودند که امید آن ها را به یأس و حرمان مبدل ساختند تا این که انقلاب پیروز شد.

3. خرید روزنامه مقدم بر خرید نان و پنیر

حضرت امام از ابتدا فردی انقلابی و آگاه به مسائل روز بودند. در دوره طلبگی که حجره ای در مدرسه فیضیه داشتند، همه می دانستند که از ساعت 11 صبح به بعد کسی حق ندارد با ایشان ملاقات کند؛ زیرا در این ساعت باید روزنامه های منتشره را مطالعه می کردند. ایشان با این که روزی یک ریال شهریه می گرفتند، یعنی ماهی سه تومان، ولی با این پول خرید روزنامه را مقدم بر خرید نان و پنیر و غذای روزانه می دانستند و تا ظهر مشغول مطالعه مطالب سیاسی بودند و بدین وسیله در جریان مسائل روز قرار می گرفتند. از این رو، زمانی که کاپیتولاسیون یا مسئله انجمن های ایالتی و ولایتی مطرح شد، ایشان دارای موضعی روشن بودند؛ یعنی جنگ با استکبار. به همین جهت، ضربه مهلک را در زمان مناسب به سر استکبار جهانی فرود آوردند.

4. صدای انقلاب اسلامی

به یاد دارم روزهای اوّل پیروزی که تازه رادیو و تلویزیون را فتح کرده بودیم، گوینده ها از طریق صدا و سیما اعلان می کردند: این صدای انقلاب راستین ایران است. ما خوشحال بودیم؛ زیرا رادیویی که مرتب سخن از شاهنشاه می گفت، حالا حرف از انقلاب راستین ملت ایران می زند. اصلاً به فکرمان نمی رسید که این عبارت غلط است؛ ولی حضرت امام ما را خواستند و با قاطعیت فرمودند: این انحراف است، باید بگویند صدای انقلاب اسلامی. به ما فرمودند: «می فرستید و خودتان هم می روید و یک نفر از خودتان آن جا می گذارید؛ حتی اگر درگیری هم شد اگر تعداد زیادی هم کشته شدند، مانعی ندارد. آن جا را تصرف کنید تا در خط انقلاب اسلامی حرکت کنند».

به همین جهت، بنده و آقای مطهری و بهشتی و بعضی از دوستان دیگر مأمور شدیم که به آن جا برویم و کار را اصلاح کنیم. متأسفانه ماشین نبود تا به مرکز رادیو برویم. خواستیم با یک مینی بوس برویم، اما راننده نبود. بالاخره یک نفر راننده پیدا شد و به مرکز رادیو رفتیم و آنجا را سروسامان دادیم و برگشتیم. این هوشیاری و توجه امام «ره» به حفظ خط و جهت انقلاب، برای حیات و تداوم انقلاب خیلی مهم بود.

5. هوشیاری در ملاقات ه

از جمله کسانی که با امام «ره» در پاریس ملاقات کردند، آقای مهندس بازرگان و دکتر سحابی، گردانندگان اصلی نهضت آزادی بودند که هر کدام با هیأتی آمده بودند. امام «ره» فرمودند: «من کسی را با عنوان حزب ملاقات نمی کنم. اگر آقایان با عنوان یک فرد ایرانی مثل تمام کسانی که با من ملاقات می کنند می خواهند بیایند، مانعی ندارد». آن ها قبول کردند و به ملاقات امام «ره» آمدند. جالب این که در هر باری که هر کدام از آقایان می خواستند با امام ملاقات کنند، امام دستور می دادند که چند نفر دیگر هم در جلسه باشند تا این موضوع در ذهن ها نیاید که فلان گروه به طور خصوصی با امام ملاقات کرده اند. وقتی سید جلال تهرانی، عضو شورای سلطنت، جهت دیدار با امام «ره» به پاریس آمد، ایشان فرمودند: «تا وقتی که عضو شورای سلطنت است، با او ملاقات نمی کنم؛ مگر اینکه استعفا بدهد و مثل یک فرد عادی بیاید». او نیز مجبور به استعفا شد تا بتواند با امام «ره» ملاقات کند.

6. تصمیم آگاهانه

گاهی اوقات ممکن است تردید در تصمیم گیری موجب شکست شود. حضرت امام همیشه به موقع و به جا تصمیم می گرفتند؛ مثلاً زمانی که رژیم طاغوت تصمیم گرفت که ساعت 5/4 بعدازظهر روز 21 بهمن را حکومت نظامی اعلان کند، امام «ره» به موقع، یعنی حدود نیم ساعت بعد از اعلان خبر فرمودند: حکومت نظامی لغو شود و همه مردم به خیابان ها بیایند. چنین شد و به دنبال آن سروصدا و درگیری آغاز شد. انقلابیون به کمک بلندگو و با موتور و ماشین های شخصی در خیابان های تهران به راه افتادند و همه مردم را مطلع کردند تا با وجود اعلان حکومت نظامی از سوی رژیم، در خیابان ها حضور جدی داشته باشند. البته بعد از انقلاب روشن شد که اگر این تصمیم به موقع گرفته نمی شد، همان شب کودتا می شد و محل اقامت امام «ره» و جاهای حساس دیگر بمباران می گردید.

7. ژرف نگری امام «ره»

وقتی از حضرت امام سؤال شد که چه عامل و انگیزه ای ایشان را بر آن داشت تا از پاریس به ایران بیایند. ایشان فرمودند: «این که من دیدم مقامات آمریکا مستقیم یا غیر مستقیم ما را تهدید می کنند که از آمدن به ایران خودداری کنم، دریافتم که این ها از رفتن ما به ایران نگران هستند.

این نشانه تیزبینی و ژرف نگری حضرت امام است که توجه دارند نقطه ضعف دشمن در کجا است و دشمن در چه موقعیتی قرار دارد و چگونه باید به او ضربه زد و این واقعا از ویژگی های مهم و اساسی ایشان است.

پی نوشت ها:

1. منازل السائرین، ص 13، باب تفکر.

2. شرح چهل حدیث، ص 189 - 190.

3. سوره غافر (40) آیه 18.

4. سوره اعراف (7) آیه 179.

5. سوره ق (50) آیه 37.

6. همان، آیه 190.

7. سوره انعام (6) آیه 104.

8. سوره حج (22) آیه 46.

9. بحارالانوار، ج 1، ص 206.

10. کنز العمال، ح 1220.

11. مجله پاسدار اسلام، ش 12، ص 55؛ به نقل از: آیت الله محمد رضا توسلی.

12. همان، ص 110 - 112، به نقل از: حجة الاسلام و المسلمین محمد علی انصاری.

13. پرتوی از خورشید، ص 287؛ به نقل از: آیت الله محمد آل اسحاق.

14. مجله شاهد، ش 3، بهمن 1359؛ به نقل از: حجة الاسلام و المسلمین علی اکبر هاشمی رفسنجانی.

15. روزنامه اطلاعات، ش 17225، 16 بهمن 1362؛ به نقل از: حجة الاسلام و المسلمین سید علی اکبر محتشمی.

16. مجله شاهد، ش 3، بهمن 1359؛ به نقل از: حجة الاسلام و المسلمین علی اکبر هاشمی رفسنجانی.

17. پا به پای آفتاب، ج 3، ص 148؛ به نقل از: حجة الاسلام و المسلمین سید حمید روحانی.